

اعصاب اعصاب، درسه انقلاب!

امیرجوهری لنگرودی

amir_772@hotmail.com

همه کنشگران اجتماعی درون و برون کشور تا به امروز این پرسش را پیش پای همان فعالان مدافع حقوق کارگران قرار می دادند، این همه کارگر و کارگر می کنید، به این سؤال هم پاسخ دهید: پس این کارگران کجایند و کی به یاری این جنبش سراسری عظیم می آیند؟

در چهارمین هفته این رخداد بزرگ اجتماعی شهریور و مهر ۱۴۰۱ برابر سپتامبر و اکتبر ۲۰۲۲، که با قتل حکومتی مهسا (ژینا) امینی دختر سقزی ما جرقه اش از دریافت خبر به کُما رفتن او در بیمارستان کسری تهران آغاز و در گورستان سقز در بیست و پنجم شهریور بدل به جرقه ی شد تا به امروز، باز نایستاده و بیگمان سربازایستادن ندارد!

ژرفای این ابرخیزش، جنبش، قیام یا عصیان پیشانقلابی - هر چه که بخواهیم بنامیم- توده جوانان دهه هشتادی به همراه زنان و مردان سراسر جغرافیای ایران، آنچنان شورانگیز و نوید بخش می نماید که با تحرک پیچ در پیچ جامعه ما از تاریخ شانزدهم مهر، همه همه تار و پود حاکمیت را در هم پیچاند و قوای سرکوب را درهراسی بیمانند در خیابان ها و کوچه ها به مردم نمایاند. آنچه امروز در برابر چشمان ما با تاریکی و هراس انگیز دیده می شود، فشار سرکوب و سرکوب و بازداشت و به زندان های گوناگون و کُشتن و سربه نیست کردن جوانان ما است. کُشتن آنان با انواع سلاح ها و حتی با کاتیوشا سواربروانت سپاه در شهرپاوه در کردستان، اوج ددمنشی همراه با درماندگی حاکمیت را میرساند. درست در این هنگامه بار دیگر خامنه ای از اندرونی، برون شد و با برجسب نام نهادن « اغتشاش های پراکنده»، « طراحی های انفجالی و ناشیانه دشمن» و عجیب اینکه چه غمزه شتری آمد آنگاه که به "سلام فرمانده" اش اشاره رفت... باری خامنه ای همچون یاوه گونیهای همیشگی اش، همچنان این جنبش عظیم را به دشمنان خیالی و توطئه آنان نسبت داد.

شامگاه روز دوشنبه هیجدهم مهرماه، از تصمیم پیوستن کارگران پتروشیمی و نفت به اعتصابات سراسری خبردار شدیم. بدین معنا که در این روز ۱۸ مهرماه اولین جرقه این اتحاد و همبستگی با حضور پرشور کارگران پروژه ای شاغل در پتروشیمی بوشهر، پالایشگاه آبادان و در عسلویه کلید خورد. همبستگی کارگران در حمایت از فرزندان خود در کف خیابان، شور و شوق و شعفی وافر برانگیخت. در مقابل این ردر رویی طبقه کارگر در حساس ترین استان در جنوب کشور بوشهر و خوزستان

یعنی مناطق پتروشیمی - گاز و نفت برای ستاندن مطالبات خویش ، با جنبش عظیم مردم ایران همراه گشتند. حاکمیت و قوای سرکب به هراس افتادند، متأسفانه در اولین یورش گزمگان نظام سی تن از آنان از جمله: «حسین سلحشور "جوشکار"، رضا کوراوند "جوشکار"، رسول نوروزی "جوشکار" ، امید کوراوند "جوشکار" ، مهرداد کاوسی " پایپ فیتز" ، اصلان سواری، "پایپ فیتز" ، حسین احمد" جوشکار تک زن" تمامی از اهالی شهرستان ایزه هستند. صمد رفیعی، ساسان رفیعی و نیکا رفیعی، کارگران فنی از اهالی سرخون اند و همچنین امین علیزاده، معصومی، آرمان کاوسی، حسن احمدی، و نیما غلامی تا حال اسامی آنان اعلام شده است».

در برابرین موج دستگیریها ،بیانیه دانشجویان در حمایت از اعتصابات آغاز شده کارگران نفت و پتروشیمی که امضای دانشگاههای چندین شهرواستان (اصفهان- تبریز- شهرری - واحد خوراسگان) داشتیم که در بخشی از بیانیه خود آورده اند : « ... ما هم کنار شما دندان بر هم فشردیم وقتی فلان نماینده حکومت گفت: «کارگر که همیشه هست، مهم سرمایه‌گذاران هستند!» و حالا زمان آن است که این دندان را بر خرخره بانیان وضع موجود بفشاریم. بیایید بار دیگر قدرت اعتصاب را آنچنان نشان‌شان دهیم که پشتشان بلرزد از دیدن صفوف متحدمان.

بیایید با بستن شیر نفت، پا برگلوی این ظالمان بفشاریم و اجازه ندهیم عرق جبین کارگران را به پول برای سرکوب مردم ستمدیده، عزیزان و هم‌زمانمان تبدیل کنند. بیایید نشان دهیم ثروت را واقعا چه کسانی تولید می‌کنند و در شرایط سخت کاری، چه کسانی از جان مایه می‌دهند تا طلای سیاه تبدیل به میلیاردها دلار پولی شود که هزینه بقای حکومت جنایت‌کارشان است.

ما کنار شما ایم و مطمئن باشید تلاش هرروزه شما برای گسترش اعتصابات همراه خواهد بود با حمایت رو به گسترش از شما و اعتصاب‌تان در دانشگاه‌های بیشتر، ما همسنگران اجازه نمی‌دهیم اینبار این جانیان که خون‌مان را در شیشه کرده‌اند، از این مهلکه جان سالم به در ببرند! "فرزند کارگرانیم / کنارشان می‌مانیم" "کارگر نفت ما / رهبر سرسخت ما" «

حالا که کارگران اعتصابی را در برابر خود داریم؛ پرسش بنیادی این است : کارگران اعتصابی برای ادامه اعتصاب آیا به نهادی برای پشتیبانی از اعتصاب در منطقه و پیوستن به اعتصاب سراسری نیازمند اند یا نه ؟ اگر آری ، چگونه و با چه سازوکاری باید این مهم را پی گیرند ؟

روشن است که برای رسیدن به پاسخ چنین پرسشی ، می‌بایست به گفتگو خلاق بنشینیم تا چم و خم و شکل و شیوه چگونگی آنرا متناسب با توان اقدام به عمل، آراه دستیابی به آن را دریابیم و راه نشان ادامه و استمرار ، راهیابی و سامانیابی متناسب به آنرا به کار بندیم و حاصل آن گفتگو هرچه باشد را راهنمای کنشگری های آینده این حرکت زیبا و شگفت آور قرار دهیم . چنین است و چنین تر بادا!

جمعه ۲۲ مهر ۱۴۰۱ برابر با ۱۴ اکتبر ۲۰۲۲

<http://karegari.com>